

بالا حصار کابل و رویدادهای تاریخی

(جلد دوم)

وبار اول در شرق و غرب قلمرو امپراطوری درانی افغانی تحریر یکات و اغتشاشاتی در لباس مخالفین خودی و بیگانه به منصفه ظهور میرسد جا دارد که قدری در قضایا عمیق تر شویم زیرا همایون و محمود، سک و قاجارها همه در اثر تحریر یکات دستگام دیگری حرکت میکردند که شناختن آن در تاریخ افغانستان از مسایل ضروریست چند صفحه قبل اشاره نمودیم که از نظر واقعات خارجی عصر زمانشاه نسبت به دوره جدش احمدشاه غازی فریق زیاده داشت در دوره های زمامداری زمانشاه کمپنی هند شرقی در قسمت اعظم سواد هند تا حوالی قریب پنجاب تار دو انیده و با حرص و ولع زیاد به آنها مصمم به پیش روی بود بلکه از هما نوقت که هند را در کوشش نفس استعماری خود میدید باچشمان دور بین در افق دور و نزدیک مترصد بود که از هر جا خطری نشئت کند بهر قیمتی که باشد آنرا ناپدید نماید.

شبهه می نیست که سیاست مداران انگلیسی از نقشه های ناپولیون و تزار در هر اس بودند ولی میدانستند که در مقابل یکی خان نشین های آسیای مرکزی و پیش روی دیگری خاکی های وسیع آسیای شرقی از سواحل بحر سفید تا افغانستان افتاده است. معذالک در حالیکه برای خنثی ساختن نقشه های شمالی و غربی مصروف اقدامات و اخذ تدابیر لازمه بودند خطر فوری را در وجود زمانشاه سدوزائی تشخیص داده بودند و بسیار میترسیدند که عملیات پیش روی احمدشاه درانی بار دیگر در هند تکرار نشود. واقعاً فتوحات احمد شاه بابا در هند هنوز مدنظر همه بود و مخصوص مسلمانان نیم قاره فاتیحان افغانی را بحیث منجی خویش میدانستند و بسیاری از نوابها از قبیل تیپو سلطان و وزیر علی و امثالهم از نقاط مختلف شاه سدوزائی را به بسط فتوحات در هند دعوت می نمودند و قراریکه متذکر شدیم آرزوی قلبی و نهائی زمانشاه هم همین بود که بدون فوت وقت دامنه فتوحات را از پنجاب

به خاك های هند وسعت دهد زمانشاه طوری به ابن كسار اشتیاق داشت كه
تاز گئی سلطنت، مخالفت برادران، بعضی هنگامه های مخالفت كارانه امیر
بخارا وشاهان ایران راوقعی نداده در فاصله واقعات داخلی كوچكترین
فرستی كه مییافت فوراً خویش را به پشاور وانك و لاهور و نقاط سوق الجیشی
ایالات شرقی میرسانید تا نقشه های پیشروی خود را عملی كند.
(ولسلی) حكمران انگلیسی هند معاصر زمانشاه اولین كسی است از
انگلیسی ها كه به اهمیت حیاتی منطقه جنوب شرقی افغانستان عصر سدوزائی
منطقه ئی كه بعد تر در عرف اداری هند انگلیسی به صفت (علاقه سرحدی
شمال-غرب) موسوم شد و به قدرت زمانشاه افغان پی برد و در صد دفع و خورد
ساختن آن برآمد و خطوط مختصه سیاست انگلیسی علیه شاه سدوزائی عبارت
ازین شد كه در شرق و غرب قلمرو افغانستان سدوزائی در پنجاب و خراسان خاص
هنگامه هائی بر پا كنند، بدین معنی كه زمانشاه هر وقت به آستانه شرقی
كشور خویش به پنجاب بیاید شاهان قاجاری را تحريك به مداخله مستقیم
و غیر مستقیم نمایند تا پادشاه افغان بسرحدات غربی متوجه شده و آنگاه
را جاهای سك را تشویق به اتحاد و خود سری و دعوی آزادی نمایند و با
حمایت و تقویت آنها از سك ها دولتی در پنجاب علیه افغانها ایستاده كنند
و با جنگ اندازی عنصر افغان و سك را تضعیف ساخته نه تنها در پنجاب
بلكه در علاقه های شرق و جنوب شرقی افغانستان آنوقت در حوزه سند و
بلوچستان نفوذ استعماری خویش را پهن نمایند. بدین اساس استقرار
روابط با دربار قاجاری ایران باز اول مورد توجه «لارد ولسلی» و اولیای
امور انگلیسی كلكته قرار گرفت و قبل از ینكه هیئت معروف «كپتان
ملكم» را به طهران بفرستند، شخصی موسوم به مهدی علیخان را، كه یكی
از نجبای ایرانی مقیم بمبئی بود و تا بعیت هندی داشت بحیثیت نماینده
كمیته هند شرقی به بوشهر فرستادند.

چون کمیته هند شرقی اصلاً نه کدام کمیته تجارتهی بلكه قوی ترین

دستگاه استعماری بود مهدی علیخان عم در حقیقت کدام وظیفه تجارتنی در بندر بوشهر نداشت بلکه قرار بیکه «راولنس» انگلیسی در کتاب: «انگلستان و روسیه در شرق» مینویسد به مهدی علیخان دستور داده شده بود که «تمام وسایل لازم را در ذریعہ ایران بکار اندازد تا زهان شاه دائماً مشغول و گرفتار باشد و بطرف هند مراجعت نتواند» و برای اینکه مهدی علیخان بقوت پول نقشه های خویش را در ایران عملی بتواند سالانه دوسه لاک کمدار در اختیار او گذاشته شده بود.

طبق این هدایات مهدی علیخان از ۱۷۹۶ م بنای مکاتبه را با طهران گذاشته و آقا محمد شاه قاجار را تحریک میکرد که به مشهد برسر اولاده نادر افشار تحت الحما به دولت سدوزائی افغان تضرع کند و شهزاده محمود و فیروزالدین را اغوا نماید ملتفت باینکه بود که مشهد از آغاز تشکیل دولت سدوزائی مطیع و تحت الحما به دولت افغانی برد و حکومت آن از طرف شاهان درانی احمد شاه و تیمور شاه به اولاده نادر شاه افشار سپرده شده بود و شاهرخ و نادر میرزا نواسه و کواسه نادر شاه از حمایت پادشاهان سدوزائی افغانی متمتع شده و بکمال وفاداری برخاک مذکور حکومت می نمودند.

بقرار نوشته های اقمستین (۱) آقا محمد قاجار که دو دمان ابائی اش از دست نادر شاه جور و جفای زیاد کشیده بود تصمیم داشت اولاده نادر را در مشهد مستاصل کند و آن شهر را متصرف گردد نادر میرزا (کواسه نادر افشار) حکمران مشهد که از تجاوز شاه قاجار اطلاع یافت پدر پیرونا بینای خود شاهرخ میرزا را روی صحنه کشیده و خود به هرات پناه برد با اینکه شاهرخ ناتوان و پیر جز تسلیم کاری نمیتوانست و تسلیم هم شد شاه قاجار همه دارائی و جواهرات او را به شدت و عنف از وی رفته خودش را بالاخره به عذاب های شدید بقتل رسانید و داخل شهر مشهد شد و قبر نادر شاه را نبش کرده و استخوان های او را بیرون آورد و به طهران فرستاد و به اساس نظریه نویسنده انگلیسی

(۱) صفحه ۵۷ و اقامت سلطنت کابل

مذکور حق خدمات نادر را باقتل دودمان و خراب کردن قبر او
ادا کرد

به نحوی که بیشتر اشاره شد شاهزمان در اثر خبرهای ناهنجاری که از
جانب هرات و مشهد از ناحیه شورش برادرش شهزاده محمود و تاجاوز
آقا محمد خان قاجار در مشهد شنید فوری از پشاور بکابل آمد و بعد از اخذ
تربیبات جانبی قند ها و حرکت کرد. میان پیشداران دو برادر در خاک ریز
تصادف واقع شد که به جزئیات آن کاری نداریم و بالاخره در اثر
مداخله و شفاعت خواهی مادر شهزاده محمود و ارسال عریضه‌ئی بحضور شاه
شهزاده محمود باردیگر مورد عفو قرار گرفته و به حکومت هرات باقی ماند
چون شاه در اغوای شهزاده محمود دست آقا محمد خان قاجار را دخیل
میدانست و بر علاوه از تجاوز او بر شهر سرحدی کشورش مشهد و از ازار
پسران شاعرخ میرزا نواسه‌های نادر افشار که تحت حمایت دولت افغانی
بودند از جار خاطر پیدا کرده بود قصد کرد تا علیه شاه ایران عسکر کشی کند
و او امری هم درین مورد داده شد چون آقا محمد قاجار از تصمیمات جدی زمانشاه
افغان اطلاع یافت فوری آقا حسن خان قره کوز لورا بحیث ایلچی دولت
قاجاری نزد زمانشاه فرستاد که غالباً در قندهار بحضور پادشاه افغانستان
بار یافت و چون ایلچی مذکور عقب نشینی قوای قاجاری را از مشهد و
تخلیه فوری آن شهر را وعده داد شاه زمان از عسکر کشی صرف نظر
نموده گدا محمد خان بار کزائی (کدو خان) را بحیث نماینده و سفیر
خویش به دربار طهران اعزام نمود و خود بکابل برگشت.

نقشه «لارد ولسلی» و شبکه همکارانش مانند مهدی علیخان و دیگران
یک سال توجه پادشاه سدوزائی افغان را از هندوستان برگردانیده
در بار سدوزائی و قاجاری را علی الرغم نیات نیک متقابل آنها بهم
مقابل ساخت ولی باز هم عجزاً مقابل آنها به تبادل سفر امنتهی شد و زمان
شاه که آنی از تعقیب نقشه‌های کشور کزائی در هند غافل نبود با سپاهی

که تعداد آن به ۳۰ هزار نفر میرسد در زمستان ۱۲۱۱ (۷۹۶ م) بطرف پشاور برگشت.

شاه تقریباً یکماه به قصد جمع آوری سپاه مزید در شهر مذکور توقف کرد مختار الدوله با ۱۵ هزار سوار درانی از کشمیر برگشته به سوی محلق شد و در اوائل دسامبر ۱۷۹۶ (۴ دسامبر) از اتک عبور نمود راه جیلم پیش گرفت و مختار الدوله را بحدث طلبیه سپاهیش فرستاد زمانشاه مانند جدش احمد شاه غازی به حمله های خورد خورد مبادرت میکرد و به تانی و کامیابی پیش میرفت سکه ها در بن وقت پراکنده بودند رجز را جاهای کوچک محلی قدرت متمرکزی نداشتند مهمترین سران آنها عبارت بود از صاحب سنگ در کجرات، رنجیت سنگ در وزیر آباد، لینه سنگ در لاهور و گلاب سنگ در امرتسر که همه هنوز مطیع دولت سدوزائی بودند و ولایت طوس و پنجاب هنوز در دامن آنها الیه کشور جزء قلمرو دولت سدوزائی افغانی بشمار میرفت.

زمانشاه بتاريخ اول جنوری ۱۷۹۷ وارد لاهور شد و ورود پادشاه سدوزائی در لاهور ولوله عظیمی را اقطار هند تولید کرد و هیچوقت هندوستان بعد از وفات احمد شاه درانی چنین روز پر هیجانی را ندیده بود موقع برای بسط کشور کشائی پادشاه افغان بسیار مساعد بود هنوز مهارانه پارچه پارچه و مصروف اختلاف باهمی در جنوب نیم قاره هند بودند و هوا خواران شاه افغانی از هر طرف او ای استقبال بلند نموده بودند. نواب های لودو میسور و دهالی خود آرزو مند موفقیت پادشاه سدوزائی بودند و روهیله و مسلمانان در اقطار بلاد هند در جنوبی ترین نقاط دکن برای کامیابی و فتوحات اولاد احمد شاه دعا میخواندند و راه دهلی بار دیگر در مقابل افغانی باز دیده میشد ولی با این همه مساعدت های زمان و مکان یک چیزی بی سابقه در نیم قاره هند بمیان آمده بود که عبارت از دستگاہ استعماری بود. این دستگاہ که

ناظر واقعات بود برای خنثی ساختن نظریات پادشاه سدوزائی چه در هند
چه در افغانستان و چه در خاک های مجاور و کشورهای همسایه مشغول
طراحی بود چنانچه قرار یکه مؤرخان و نویسندگان انگلیسی مانند (الفستمن)
(راولسن) و غیره خود می نویسند علاوه بر اعزام مهدی علی خان بحیث
نماینده کمپنی هند شرقی در بوشهر و صرف ۱۷ لک کلدار برای تحریک
شاهان قاجاری به جنگ ، بیگانه مقصد از اعزام هیئت انگلیسی سر جان ملکم
در ۱۷۹۹ در ایران این بود که با تحریک شاهان قاجاری و اغوای شهزاده
محمود و فیروزالین توسط شاهان اخیر الذکر غوغائی در سرحدات غربی
و در داخل کشور افغانستان تولید کنند که اقلا برای سه سال زمانه
وقت و مجال برای انجام نقشه های پیشروی و فتوحات خود در هند پیدا نکنند.
این است سنگ بزرگی که در راه کشور کشتائی های زمانه شاه سدوزائی
پیدا شده و ارتباط پیشروی را نسبت به عصر جدش در هند بکلی تغییر داده بود
تمام اشکالی که زمانه شاه و افغانستان عصر او در داخل و خارج کشور
دید بدان جهت بود که او و کشورش مواجه به افسون دستگاہ استعمار
شده بود و هر قدر درین زمینه مطالعات جامع تر و عمیق تر بعمل آید عظمت
شاه زمان از نظر تاریخ ملی در نظر اولاد افغانستان روشن تر خواهد شد.
تکرار فتوحات احمد شاه غازی در هند برای نواسه اش و سپاه افغانی
بکمال سهولت میسر بود علی الخصوص که روح قهرمانی نیروی افغانی در میدان
(پانی پت) جاویدان مانده ر همه مردم هند انتظار احمد شاه جدید را میکشیدند
بهر حال شاه زمان در لاهور نشسته ، پنجاب سراسر مطیع و راجا های سک
چیزی در دربار و چیزی بحکومت ایالات به مقامات بلند رسیده و مورد لطف
پادشاه درانی افغان قرار گرفته بودند. هوا و فضا بروز واقعات بزرگتری را
به نفع زمانه شاه مرده میداد که بار دیگر صدای ناخوشی از غرب کشور
از هرات بگوش رسید.

شاه زمان در کابل : شاه زمان بار دیگر از ایالات شرقی

کشورش این دفعه از لاهور به پشاور و از آنجا ۱۷ رمضان ۱۲۱۱

به کابل وارد شد و به تاریخ ۱۸ رمضان ۱۲۱۱ ۱۶ مارچ ۱۷۹۷

(۱۶ مارچ ۱۷۹۸) وارد پایتخت آمد. آمادگی حرکت طرف

میکویند که علت ظاهری اغوای شهزاده هرات عالییه شهزاده محمود:

محمود عطا محمد خان غلزائی شده بود که

پنج هزار اقوام خود را از حوالی قندهار به هرات برده و شهزاده محمود را

تقویت میآورد هر دو به اتفاق هم نقشه حمله بر قندهار را پیش خود طرح نموده

بودند. زمان شاه بعد از اخذ ترتیبات در کابل طرف قندهار به حرکت آمد.

حین وصول به قلعه غلزائی عبدالله خان الکو زائی حاکم آن کشمیر با هدایای

زیاد بحضور شاه مشرف شد. شاه حاکم آن مذکور را امر مراجعت به حوزة

حکومتش داد و بتاریخ ۶ جولائی ۱۷۹۸ وارد قندهار شد و عندا لورود به شهر

خبر قتل عطا محمد خان غلزائی را که دست بزرگ در اغوای شهزاده محمود

داشت بوی رسانیدند.

زمان شاه در قندهار ترتیبات مزید گرفته پیش قراولی مرکب از ۱۲ هزار

سپاه تحت او امر پسرش شهزاده قیصر و احمد خان نورزائی بطرف فرستاد

و خودش با قوای اساسی و توپخانه بتاریخ ۸ سپتامبر ۱۷۹۸ بطرف هرات

بحرکت آمد.

شهزاده محمود که به اغوای دیگران منجمله عطا محمد خان غلزائی

برخاسته بود بعد از قتل اخیر الذکر شد در مانده و نمیدانست چه کند؛ میگویند

که قلعه هرات را به قلیچ خان، خان معروف تیموری سپرده و خود بیرون شهر

برای مقابله شهزاده قیصر در نقطه ثمن موسوم به (روضه باغ) برآمده همین طور

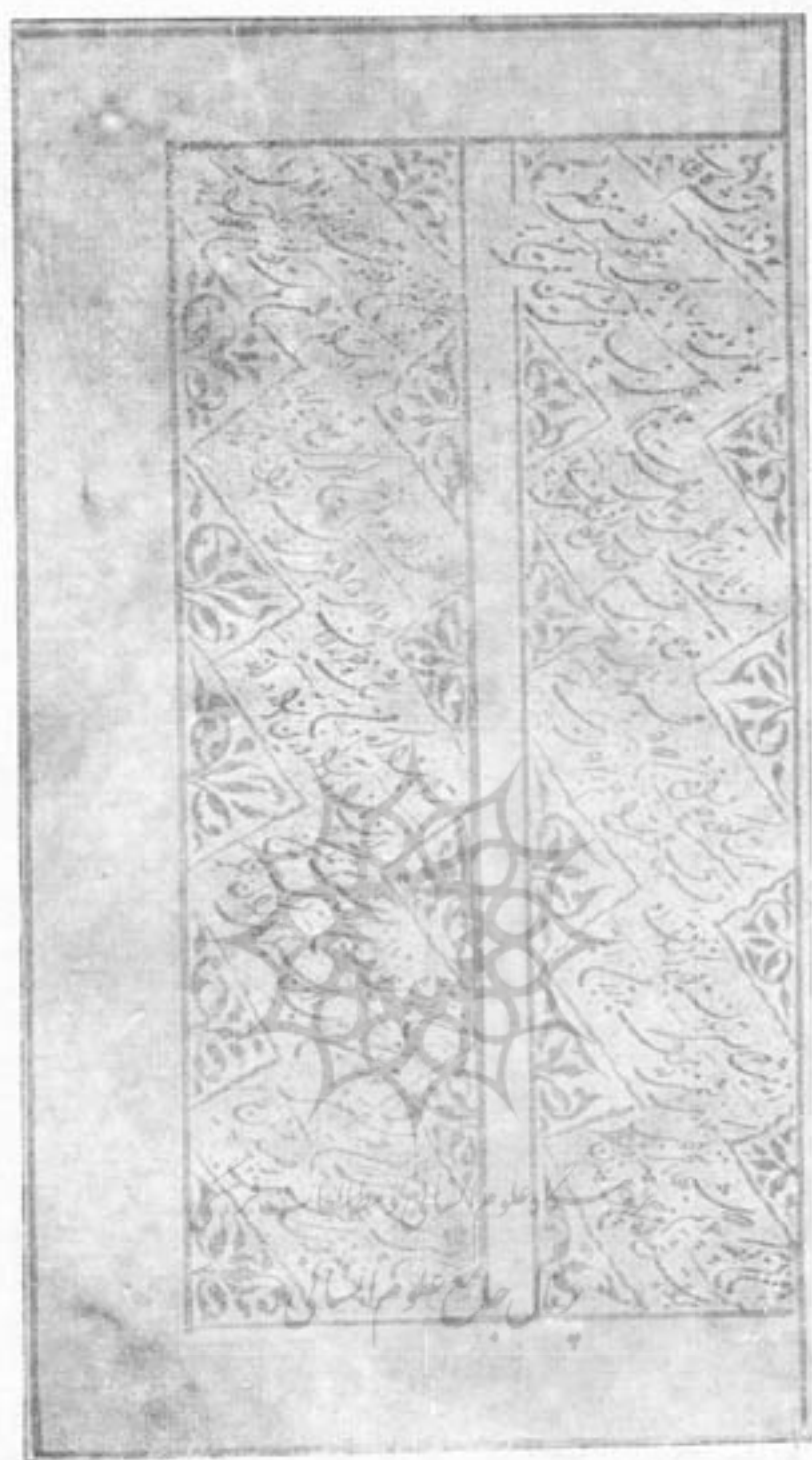
بین قوای محمود و سواران غیر منظم زمان شاه که تحت قیادت جهانداد خان

اعزام شده بود در نقطه دیگری در (اوبه) زد و خوردی در گرفت
وقوای شهزاده محمود طرف هرات عقب نشست در چنین موقع بار يك تنها
چایه که به فکر شهزاده محمود رسید این بود که خود را در داخل قلعه هرات
حصاری کند ولی قلیچ خان تیموری که بازمانده رشته فرمان برداری
قایم کرده بود دروازه های شهر را بر روی او باز نکرد و شهزاده محمود
که از نزدیک شدن شهزاده قیصر به دروازه هرات در هراس افتاده
بود بصورت اجبار باپسرش کامران و برادرش فیروزالدین بطرف ایران
به کاشان وقاین فرار کردند.

بزمانشاه عقب پسرش قیصر بتاريخ ۱۴ اکتوبر ۱۷۹۸ داخل هرات شد.
شهزاده قیصر را که سمت و لیعهدی هم داشت به نایب الحکومتگی هرات
مقرر کرد و زمان خان بامیزائی و احمدخان نوزائی را بحیث مشاور
و سرعسکر سپاه او تعیین نمود.

۱۰- اساس تاریخ سلطانی زمانشاه در حدود چهارماه در هرات توقف کرد درین
وقت ایلیچی او گندامحمدخان (گندوخان) بارگزائی که نزد آقامحمدخان
قاجار فرستاده شده بود از طهران بر پشت وراپورتی مبنی به ضعف دولت
قاجاری به شاه تقدیم کرد. واقعه رفتن این سفیر و مطالعات او در اوضاع دربار
ایران و مخصوصاً تشخیص ضعف قوای نظامی ایران از يك نقطه نظر مطالعات
میرویس خان زعیم هوتکی ^{ششکله} ^{شاه} ^{پادشاه} ^{پیدا} ^{میدهند} که در بار شاه حسین صفوی
بعمل آورده و عندالمراجعه به قندهار نهضت معروفی را آغاز کرد که منتج
به فتح اصفهان بدست قوای افغانی شد. گندو خان بارگزائی به صفت
یکنفر سردار افغان حین اقامت در طهران مطالعاتی در اوضاع نظامی دولت
قاجاری و ضعف شخص آقامحمد قاجار بعمل آورد و حین تقدیم نظریات
خویش در هرات بحضور زمانشاه واضح ساخت که اگر ۱۲ هزار سوار تحت
فرمان او گذاشته شود مملکت ایران را فتح خواهد کرد. این مباحث
در حضور زمانشاه جریان داشت که خبر قتل آقامحمدخان قاجاری توصل نمود.

تسبیح حضرت زین العابدین علیه السلام
در وصف حضرت زین العابدین علیه السلام
و در بیان مناقب و احوال او
که در جمیع روزها در وقت نماز
و غیر نماز خوانده شود
بسیار سودمند است
در دفع غم و کسرت دل
و در تحصیل غایت دلچسپی
و در جنت کسب ثواب
و در دفع بلا و آفت
و در رسیدن به مقام سلیمان
و در کسب جنت و سعادت
و در دفع کفر و شک و تردید
و در رسیدن به مقام حضرت زین العابدین علیه السلام
و در کسب جنت و سعادت
و در دفع کفر و شک و تردید
و در رسیدن به مقام حضرت زین العابدین علیه السلام





نام این کتاب و چون در کتابت درج است و در هر خط و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت و در هر بیت

مجلس سخن و شعر

